ای ياران حقيقی و اماء ربّانی جناب فروغ هر يک از شما…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٦٧

ای ياران حقيقی و اماء ربّانی جناب فروغ هر يک از شما را در نامه خويش به بزرگواری نام برده و هر فردی از افراد شما را خطابی مخصوص و کتابی منصوص خواهش کرده ولی چه توان نمود که فرمايش و خواهش ايشان را اين عبد مجبور بر عدم امتثال است. حضرت احديّت با وجود آنکه فاعل مختار است لا يکلّف اللّه نفساً الّا وسعها می‌فرمايد و جناب فروغ که محکوم بی‌اختيارند لهذا تکليف مالايطاق نبايد بفرمايند. اين از بابت مزاح است که مرقوم می‌گردد والّا در عالم دل و جان به هر يک از شما نامه مفصّل مرقوم و در لوح محفوظ مشروح و مثبوت.

ای ياران و ای اماء رحمن حضرت احديّت افق عالم را به نور محبّت روشن فرموده و ارکان بيت اعظم را بر مهربانی و وفا اساس نهاده تا عاشقان رويش شور و ولهی وجدانی و آهنگی رحمانی و ساز و آوازی ربّانی در قطب امکان بلند نمايند و سبب نورانيّت اين جهان تاريک و تنگ گردند. بنيان بغض و عدوان براندازند و بنياد فضل و احسان بگذارند. با جميع ملل و نحل در نهايت محبّت و الفت از شدّت حلاوت عسل مصفّی گردند و با کلّ مذاهب از فرط صدق و صفا آب گوارا شوند يعنی سبب حيات باشند و دليل نجات گردند. حتّی اگر دشمن وثن باشد آنان شمن گردند و اگر بدخواه مار سياه باشد آنان افسون‌گر مهرپرور شوند. دلی نيازارند و جانی را نرنجانند. هذا من مواهب ربّکم الرّحمن فی هذا الدّور البديع و العصر الجديد. عبدالبهآء شب و روز به درگاه بی‌نياز نماز آرد و ياران را ترقّی و پرواز خواهد تا اسباب ملک و ملکوت فراهم آيد و فيوضات حضرت لاهوت مبذول گردد. جهان آفرينش آرايش يابد و دردانه وجود ياران آرايش عالم هستی گردد. بلبلان گلشن توحيد شوند و گلبانگ تقديس از حقائق و معانی زنند. شهنازی بلند کنند که آوازه‌اش جهانگير گردد و نغمه‌ای زنند که ملکوت ايجاد را به حرکت آرند. اينست سزاوار احبّای الهی و اماء رحمن. اسئل اللّه ان يوفّقکم علی هذا و عليکم البهآء الابهی.